

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ه. اندوه - کابل میزان ۹۱

۲۵ سپتمبر ۲۰۱۲

چتل نویس دموکراسی

در حکومت شاریده افغانستان

جابه جایی های اخیر سطوح کابینه افغانستان و ریاست امنیت ملی و پس و پیش کردن های کودکانه "جناب" رئیس جمهور در سطح ولایات هنوز حکایت از تنبلی و بی عرضگی مشاقان دموکراسی باد آورده غرب در کشور ما دارد .

نمی دانم چه سری است که هرچه در افغانستان به الگو برداری می آید یا کاسه داغ تر از آش می گردد و یا هم این که مثل نمک گندیده همان خاصیت ذاتی خود را نیز از دست می دهد . بیجا نخواهد بود یک نگاه گذرا به دهه پیشین افغانستان که سرنوشتش برای اولین بار با نام حامد کرزی گره خورد ببندازیم .

در آن روز های دور که کابل نیمه ویران با بارسنگین جنگ های داخلی از برکت هشت و هفتگانه های نوکر صفت و جور و ناروائی های پنجساله واپسگرایان رنگین چشم تازه همچو کودکی افتان و خیزان به دست خیل برگشته از آنطرف سرحد خودش را مواجه دید، آقای کرزی با آن چهره عام فریب و سرتکان بده در چشم عوام و خواص همچو ناجی و دلسوز به مردم جلوه گری کرد

ردای سبز و تلفیق همه جناح ها با بیانات شیر و شکر "جنابشان" کم کمک مردم را مجاب می کرد که دیگر از وحشتسرا شاید دور خواهیم گشت و سیاهی ها روبه سفیدی خواهد گرائید

و اما افسوس و درد که یک دهه ای پر از فرصت و بخت در حلقه رندان برگشته از غرب و ندانم کاری های رئیس صاحب به باد فنا رفت و آنچه امروز به جا مانده شرم تاریخ است که با تفاله های باقی مانده و کرگسان و گفتار های چند دورباطل پیش، مضحکه ای به نام حکومت داری را تمثیل می کند

آیا شده باشد که روزی این مرد سرش را در گریبان پاکستانی دوختش کرده باشد و از خودش پرسیده باشد که چطور ممکن است در سراسر این بلادی که شرف و آزادی مردمش تن انگلیس و بعد ها روس را مرتش می ساخت ، کسی نموده است که هی کرسی های باد آورده همچو میراث پدری را از این ناکس به آن ناکس می دهند .

و خمیه شب بازی پارلمان هم یکی را در نقش وزیر داخله قبول ندارد و بعدش در نقش مثلاً وزیر خارجه قبولدار است

مردم که در جست و جوی نان و التهاب نگهداشتن جان دیگر حتی از شنیدن نام دموکراسی به حالت تهوع می افتند و کاری به کاری این غمازان و مشاطه گران آنسوی ارگ ندارند.

تنها می ماند پارلمان کذائی با وکلای ناهمگون و ترکیبات نامتجانسش، نه ملتی است و نه دردمندی که دلش به حال ملت بسوزد

کرزی با هوشیاری تمام رگ خواب پارلمانی ها را یافته و بندل بندل نوت دهانهای یاوه گوی شان را برای زمانی که لازم است می تواند ببندد

شیادانی هم که با عبا و قبای مکاتب پرطمطراق و طنطنه فکری در اطراف وی می پلکند ، چنان آویزه قدرت و فساد قدرتمند بودن اند که یادشان رفته الف و ب دموکراسی و مردم سالاری در جو تباری و روسپی گری عطش را فرو نمی نشاند و نشاید که آزاده مردی با نوای آزادگی سر به بالینی نهد که خوابش را دیگران تعبیر می کنند و یا پا در آستانی ماند که ذلت را به ارمغان داشته باشد

نام ها آشنا اند و آدمک ها نیز آشنا تر ، همه می دانند آنها که اند و چه کردند و نیز می دانند چه خواهند کرد. پس چه حلاوتی است که این چنین تند تند در پی عزل و نصب و باز نصب و عزل اند فقط قصه سرمنگسک است که به خورد مردم می دهند و میل دراز کردن طومار حکومت شان را دارند. همین!

سخت است روزگار و آسمان نیز دور از در سرزمین ما ، مگر که شاید معجزه ای به وقوع بپیوندد و این خیل فاسد و گندیده را از صفحه سرنوشتان برود ؛ الله والعلم